شهادت فرمانده هنگ مرزی با حمله اشرار

پرونده شهادت فرمانده هنگ مرزی به‌صورت ویژه رسیدگی خواهد شد.
به گزارش خبرنگار جام جم، رئیس کل دادگستری استان گلستان دراین‌باره گفت: شامگاه پنجشنبه و پس از گزارش اهالی منطقه درباره توزیع مشروبات الکلی و موادمخدر در یک سفره‌خانه در روستای کرند گنبدکاووس، فرمانده هنگ مرزبانی همراه دو سرباز وظیفه با دستور قضایی برای بررسی موضوع راهی محل شدند. هاشمیان افزود: پس از ورود مأموران برای بررسی موضوع ۹ نفر از اراذل و اوباش با مأموران درگیر و یکی از اراذل سابقه‌دار با ضربات چاقو مأموران را زخمی و فرار می‌کند. پس از انتقال زخمی‌ها به بیمارستان، سروان نبی‌ا... خطیری، فرمانده هنگ مرزبانی به شهادت رسید و حال سربازان خوب است. بلافاصله ضارب اصلی و همه اراذل و اوباش دستگیر شدند و برای تکمیل تحقیقات در اداره آگاهی گنبدکاووس هستند. وی خاطرنشان کرد: پرونده از شامگاه پنجشنبه در دادگاه عمومی داشلی‌برون تشکیل و دستورات قضایی لازم برای پیگیری صادر شده است.

پس از ۱۵ سال فاش شد

ردپای بهلول در ماجرای ناپدید شدن یک زن

گروه حوادث

پرونده پیرمرد شیطان‌صفت که دختر نوجوانی را کشته و در باغچه دفن کرده بود با کشف رد زنی در خانه‌اش وارد مرحله تازه‌ای شد. این زن ۱۵ سال قبل وقتی برای پیدا کردن شوهرش به خانه بهلول رفت ناپدید شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، بهلول متهم ۶۱ ساله‌ای است که اوایل مرداد سال گذشته دختر ۱۵ ساله‌ای به نام شیما را فریب داد و زمانی که او از خانه بیرون آمد وی را به خانه خودش در یکی از محله‌های تهران دعوت کرد، اما سرنوشت تلخی را برای آن دختر رقم زد و بعد از خفه کردن این دختر با شال، جسد او را در باغچه خانه زن صاحبخانه‌اش دفن کرد. با اعتراف بهلول استخوان و بقایای به‌جا مانده از جسد شیوا در آن خانه کشف شد. این در حالی بود که خانواده‌ای که شیما را به سرپرستی گرفته و بزرگ کرده بودند، از متهم شکایت کرده و خواستار مجازات او بودند.

در ادامه ماموران با دستور بازپرس شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران به تحقیقات از بهلول ادامه دادند که او درباره انگیزه‌اش از قتل شیما گفت: معتاد به شیشه هستم. مقتول ۵۰ روز در خانه‌ام بود. آن دختر قرص اعصاب می‌خورد و آن شب چون قرص اعصاب برایش نخریدم عصبانی شد و به همسرم که از من جدا شده و دو دخترم فحاشی کرد که عصبانی شده و با شال او را خفه کردم.

با توجه به پیدا شدن کفش‌های زنانه در خانه بهلول ماموران به تحقیقات ادامه دادند تا این‌که دو روز پیش مردی به اداره دهم پلیس آگاهی تهران آمد و اطلاعات جدیدی را در اختیار پلیس قرار داد.

این مرد به ماموران گفت: بهلول با مرد معتادی آشنا بود و برای مصرف مواد به خانه او می‌رفت. گاهی آن مرد همسرش را نیز با خود به خانه بهلول می‌برد. روابط بهلول و آن مرد خوب بود. ۱۵ سال قبل، شوهر آن زن که کارتن‌خواب شده بود خانه را ترک کرد و جست‌وجوی همسرش برای یافتن او بی‌نتیجه ماند.

در ادامه او برای گرفتن ردی از سرنوشت شوهرش نزد بهلول رفت، اما بعد از آن ناپدید شد. در این ۱۵ سال آنها همه جا را جست‌وجو کردند، اما ردی از او به دست نیاوردند. سال‌ها بعد فرزندانش برای ادامه زندگی به خارج از کشور رفتند و او فقط خواهری دارد که وی نیز از سرنوشت خواهر گمشده‌اش بی‌اطلاع است.

با اطلاعاتی که این مرد در اختیار پلیس قرار داد، آنها تحقیقات را ادامه دادند که معلوم شد گفته‌های او صحت دارد و زنی در آن زمان گمشده است. بنابراین برای رازگشایی از سرنوشت این زن تحقیقات از بهلول را در اداره دهم پلیس آگاهی تهران آغاز کردند تا سرنوشت این زن مشخص شود.

برف زمستانی با بهمن و مرگ آمد

نخستین برف زمستانی تهران با حوادث مرگباری همراه بود و پایان هفته پرکاری را برای امدادگران هلال احمر پایتخت رقم زد. از سوی دیگر ۱۰۰ کوهنورد که به ارتفاعات توچال تهران رفته و گرفتار برف و کولاک شده بودند با کاهش سرعت باد به پائین منتقل شدند. شاهین فتحی، مدیرعامل هلال احمر استان تهران در گفت‌وگو با جام جم گفت: دیروز برف و کولاک در ارتفاعات تهران همراه با حوادثی بود که امدادگران واکنش سریع هلال احمر تهران با حضور در محل‌های حادثه سعی کردند به گرفتار امدادرسانی کنند. در نخستین حادثه، سقوط بهمن در ارتفاعات کلکچال به سامانه ۱۱۲ هلال احمر گزارش شد و تیم‌های امدادی سریع خود را به محل اعلامی رساندند. چهار کوهنورد گرفتار بهمن شده بودند که با جست‌وجو در منطقه پیکر دو نفر از آنها پیدا شد. دو نفر دیگر هم مصدوم شده بودند که بر اساس گزارش‌های اولیه وضعیت آنها مساعد نبود. وی ادامه داد: دومین حادثه در ارتفاعات دارآباد گزارش شد و افرادی که برای کوهنوردی به ارتفاعات این منطقه رفته بودند، گرفتار برف و کولاک شده بودند که تیم‌های امدادی و واکنش سریع برای امدادرسانی به این افراد به منطقه اعزام شدند. فتحی خاطرنشان کرد؛ سومین حادثه در منطقه آهار به سامانه ۱۱۲ گزارش شد که تیم‌های واکنش سریع در منطقه حاضر شدند و براساس گفته اهالی یک نفر زیر بهمن گرفتار شده که امدادگران در حال جست‌وجو در منطقه هستند. در مجموع، در حوادث جمعه دو نفر جان باخته، دو نفر دیگر مصدوم شده و یک نفر هم ناپدید شده است. سخنگوی سازمان اورژانس کشور هم از گرفتار شدن حدود ۱۰۰ نفر در ایستگاه شماره هفت توچال خبر داد. مجتبی خالدی اعلام کرد: ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه جمعه از ایستگاه شماره هفت توچال تماسی با مرکز اورژانس تهران، مبنی بر گرفتار شدن حدود ۱۰۰ نفر از کوهنوردان گرفته شد و بلافاصله با سازمان آتش‌نشانی، سازمان مدیریت بحران شهر تهران، مسوولان وقت ایستگاه توچال تماس گرفته شد تا صحت موضوع بررسی شود. خبر به این شکل بود که علیرغم توصیه‌های مدیریت توچال به کوهنوردان عزیزان داشتند آنان باز هم اقدام به صعود می‌کنند. این افراد با کاهش سرعت باد در منطقه، توسط تله‌کابین توچال به پایین منتقل شدند.

سقوط بهمن در ارتفاعات شمال تهران روز مرگباری را برای کوهنوردان رقم زد

فرار به افغانستان بعد از قتل گروگان

مرد ایرانی که متهم است با همدستی سه مرد افغان در جریان گروگانگیری، مرتکب قتل مرد گروگان شده‌اند با نقض حکم قصاص دوباره محاکمه می‌شود. قضات دادگاه کیفری سه متهم فراری پرونده را غیابی محاکمه و به قصاص محکوم کردند.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از پنج سال قبل و با گزارش آدم‌ربایی در دستور کار پلیس قرار گرفت. زنی با مراجعه به ماموران گفت: شوهرم برای رفتن به محل کارش از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. چند بار با تلفن همراهش تماس گرفتم، اما خاموش بود. به موضوع مشکوک شده و قصد داشتم به پلیس آگاهی بیایم و شکایت کنم که مرد ناشناسی با من تماس گرفت و ادعا کرد همسرم را ربوده و برای آزادی او ۱۰۰ میلیون تومان درخواست کرد. من این پول را ندارم و نمی‌دانم برای نجات همسرم باید چه کاری انجام دهم.

پس از این شکایت ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده و چند مظنون را در این رابطه دستگیر کردند که آنها منکر نقش داشتن در این ماجرا شدند. تحقیقات ادامه داشت تا این‌که این بار آدم‌ربایان با یکی از دوستان گروگان تماس گرفته و برای دریافت پول با او قرار گذاشتند که تیم پلیسی محل قرار را محاصره کرده و مرد جوانی به نام فرید را دستگیر کردند.

فرید در جریان تحقیقات راز قتل فرهاد را فاش کرد و گفت: سه تبعه افغان به نام‌های فرج، ذکی و جمعه با فرهاد. مقتول. بر سر معامله‌ای اختلاف داشتند. همین اختلاف هم باعث شد نقشه ربودن او را طراحی و اجرا کنند. آنها وقتی نتوانستند از همسر فرهاد پول بگیرند، او را کشتند و من در دفن جسد در صفادشت به آنها کمک کردم.

بعد از این اعترافات ماموران راهی صفادشت شده و جسد را پیدا کردند. این در حالی بود که از فرج و جمعه خبری نبود.

در ادامه پرونده برای محاکمه به شعبه ۱۷ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد که اولیای دم درخواست قصاص متهمان را مطرح کردند.

فرید در این جلسه گفت: من در قتل نقشی نداشتم و وقتی به سه متهم دیگر رسیدم، آنها فرهاد را کشته بودند و جسدش در صندوق عقب بود. من در دفن جسد به آنها کمک کردم. سه متهم دیگر قاچاقچی بودند و مخفیانه به ایران و افغانستان در تردد بودند و بعد از قتل هم به افغانستان گریختند.

هرچند فرید منکر قتل بود، اما قضات دادگاه بعد از رسیدگی او و سه متهم دیگر را به قصاص محکوم کردند. آنها به‌خاطر دیگر جرایم خود به حبس محکوم شدند. با اعتراض فرید به حکم مجازاتش پرونده به دیوان‌عالی کشور ارسال شد که قضات شعبه ۲۴ دیوان‌عالی کشور رای را نقض کرده و با توجه به انکار قتل از سوی فرید در تمام مراحل بازجویی، خواستار تحقیقات بیشتر در این باره شدند.

به این ترتیب پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد تا فرید دوباره محاکمه شود.

۹۰ روز فرصت برای نجات مامور سد معبر از مرگ

قاتل

مقتول

مامور جنجالی سد معبر شهرداری که مرد ضایعات جمع‌کن را به قتل رسانده بود برای دومین بار پای چوبه دار رفت. این بار پسر مقتول به قاتل پدرش مهلت سه ماهه‌ای برای جلب رضایت داد.

به گزارش خبرنگار جام جم، صبح شانزدهم مرداد سال ۹۳ مامور سد معبر ۳۱ ساله با سه نفر از همکارانش سوار مزدایی بودند و در خیابان‌های منطقه چهار شهرداری تهران تردد می‌کردند که متوجه راننده وانت نیسانی و پسری شدند که مشغول جمع کردن ضایعات بودند. به این دو نفر نزدیک شده و از آنها خواستند مجوز فعالیت خود را نشان دهند که گفتند مجوز ندارند. خواستند خودروی آنها را توقیف و به پارکینگ منتقل کنند که مرد ۴۱ ساله به نام علی مقاومت کرد و بین او و مامور سد معبر درگیری رخ داد.

در ادامه مامور ۳۱ ساله با پنجه بوکس ضربه‌ای به سر علی زد و با همکارانش محل را ترک کردند. مرد مصدوم در بیمارستان بستری و بعد از ۹ روز فوت شد. با شکایت خانواده او، ماموران سد معبر بازداشت شده و به جرم خود اعتراف کردند.

در ادامه محمد، عامل این جنایت در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. او مدعی بود بوکسور بوده و مشت سنگینی دارد و فکر نمی‌کرده ضربه مشتش باعث مرگ آن مرد شود. بعد از او همدستانش به دفاع از خود پرداختند. قضات دادگاه قتل را شبه‌عمد دانستند و متهم را به پرداخت دیه و سه همکارش را به شش ماه حبس محکوم کردند. با اعتراض خانواده مقتول پرونده به شعبه ۲۹ دیوان‌عالی کشور ارسال شد که رای شکسته شد و متهم برای دومین بار در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد و این بار در دفاع از خود گفت: من و همکارانم مسؤول جمع‌آوری ضایعات در منطقه چهار شهرداری تهران بودیم. مقتول مجوز نداشت که با او درگیر شدیم. او فحاشی کرد، خواستیم به شهرداری بیاید که قبول نکرد. او پیراهن مرا پاره کرد. می‌خواستم سیلی به صورتش بزنم که سرش را کنار کشید و ضربه به گردنش خورد. من هیچ ضربه‌ای به سر او نزدم. به زمین افتاد و ضربه مغزی شد و فوت کرد.

اما پسر مقتول که شاهد جنایت بود در دادگاه مدعی شد؛ قاتل با پنجه بوکس ضربه‌ای به پدرش زده و او را کشته است. متهم این بار حکم قصاص گرفت که این رای در شعبه ۲۹ دیوان‌عالی کشور تایید و به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد. چند جلسه صلح و سازش با خانواده مقتول در این چند سال برگزار شد، اما آنها حاضر به گذشت نبودند. حتی مادر مقتول سال گذشته فوت کرد و اولیای دم فرزندان مقتول و برادران و خواهران او شدند. اوایل امسال مرد اعدامی پای چوبه دار رفت که با تلاش واحد صلح و سازش اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ساعاتی مانده به اجرای حکم قصاص، اولیای دم مهلت سه ماهه برای جلب رضایت به او دادند. وی به سلولش بازگشت، اما در مهلت تعیین شده نتوانست رضایت خانواده مقتول را جلب کند. در ادامه محمد شهریاری، سرپرست دادسرای جنایی تهران و محسن اختیاری، سرپرست اجرای احکام دادسرای جنایی تهران، دوباره با خانواده مقتول برای جلب رضایت قاتل پشیمان به گفت‌وگو نشستند و پنج جلسه صلح و سازش با آنها برگزار کردند. چند روز پیش مرد اعدامی به سوئیت زندان رجایی‌شهر کرج منتقل شده بود تا برای دومین بار پای چوبه دار برود که پسر مقتول به او مهلت سه ماهه داد تا بتواند رضایت اولیای دم را کسب کند. اگر در فرصت ۹۰ روزه رضایت اولیای دم را کسب نکند قصاص می‌شود.

سرقت از طلافروشی لو رفت

دو مرد که با تخریب دیوار مغازه طلافروشی در بازار طلافروشان برازجان، هشت کیلو طلا دزدیده بودند در عملیات هشت ساعته پلیس بازداشت شدند.

به گزارش جام جم ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه سه‌شنبه دوم دی امسال وقتی مرد طلافروش برای بازکردن مغازه‌اش به بازار طلافروشان در شهر برازجان رفت با صحنه عجیبی روبه‌رو شد. همه وسایل مغازه به‌هم ریخته و هشت کیلو طلا از آنجا سرقت شده بود. با دادوفریاد از همسایه‌ها کمک خواست و در ادامه موضوع به پلیس گزارش شد. در بررسی اولیه مشخص شد، سارقان با تخریب دیوار مغازه داخل آمده و نقشه سرقت را اجرا کرده‌اند. جست‌وجوها ادامه داشت تا اینکه ماموران به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد مردی که شاغل در همین بازار بوده در این ماجرا نقش داشته است. او به عنوان تنها مظنون ماجرای سرقت تحت‌تعقیب پلیس قرار گرفت و با دستور قضایی بازداشت شد و مورد تحقیقات قرار گرفت. او اعتراف کرد که با همدستی فردی دیگر نقشه این سرقت را طراحی کرده و به اجرا درآورده‌اند. با اعتراف وی، همدست او نیز تحت‌تعقیب پلیس قرار گرفت و دستگیر شد.

سرهنگ فرهاد آراوند، فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان دراین‌باره گفت: ماموران در جریان تحقیقات و در کمتر از هشت ساعت دزدان را شناسایی و دستگیر کردند. در بازرسی از مخفیگاه آنها، هشت کیلو طلای سرقتی که ارزشی معادل ۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان دارد نیز کشف و با هماهنگی قضایی قرار شد تحویل مالباخته شود. همچنین وسایل و ادواتی که متهمان برای سرقت و تخریب دیوار مغازه طلافروشی از آن استفاده کرده بودند نیز کشف شد.

تلنگر

قتل در جشن تولد

پسر ۱۶ ساله وقتی متوجه دعوای برادرش در جشن تولد شد، در هواخواهی از او پسر جوانی را کشت.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه سوم دی امسال فردی با پلیس ۱۱۰ پایتخت تماس تلفنی گرفت و از مرگ پسر ۲۳ ساله‌ای در جریان دعوای شبانه در مهمانی در شرق تهران خبر داد. تحقیقات اولیه ماموران کلانتری تهرانپارس نشان داد که او از ناحیه شکم با ضربه چاقو زخمی شده و به‌دلیل شدت خونریزی بعد از انتقال به بیمارستان فوت کرده است. در ادامه تحقیقات معلوم شد پسر جوان در جشن تولدی در شرق تهران شرکت کرده بود و در جریان دعوا با یکی از مهمانان به قتل رسیده است.

هویت متهم به قتل فراری که پسر ۱۶ ساله‌ای بود خیلی زود شناسایی شد. شاهدان درگیری می‌گفتند عامل جنایت در هواخواهی از برادرش وارد دعوا شده و مرتکب قتل شده است. متهم در کمتر از ۶۰ دقیقه در مخفیگاهش شناسایی و بازداشت شد و در تحقیقات گفت: برادرم به یک جشن تولد در شرق تهران دعوت شده و به آنجا رفته بود. مقتول و برادرش هم از مهمانان جشن بودند، اما میان آنها و برادرم اختلاف و درگیری رخ داده بود و با میانجیگری دوستان‌شان پایان گرفت.

برادرم بعد از مهمانی به من زنگ زد و اطلاع داد که با مقتول و برادرش درگیر شده و از من خواست برای دعوا بروم. من هم چاقویی از خانه برداشته و به آنجا رفته و ضربه‌ای به شکم پسر ۲۳ ساله زدم.

سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ با تایید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهم نوجوان، او به اتهام قتل بازداشت و پرونده وی برای ادامه تحقیقات و رسیدگی به دادسرای ویژه اطفال و نوجوانان ارسال شد.

کوتاه از حوادث

- عامل آتش‌سوزی سه خودرو در گناباد کمتر از چهار ساعت شناسایی و بازداشت شد. این سه خودرو همزمان در بلوار سلمان فارسی گناباد آتش گرفتند که آتش‌نشانان شعله‌های آتش را خاموش کردند. زمانی که ماموران موضوع را بررسی کردند متوجه شدند خودروها به عمد آتش گرفته است. در ادامه تحقیقات رد عامل آتش‌افروزی به دست آمد و او در کمتر از چهار ساعت شناسایی و قبل از خروج از گناباد دستگیر شد. تحقیقات نشان می‌داد این متهم یکی از اراذل و اوباش سابقه‌دار بوده که پیش از این هم به آتش‌زدن خودروها اقدام کرده بود.
- وصیت جوان گلستانی بعد از مرگش زمینه‌ساز آزادی ۱۳ زندانی شد. این جوان امسال فوت شد. او به خانواده‌اش وصیت کرده بود که بخشی از اموال او را صرف آزادی زندانیان نیازمند کنند. بنابراین خانواده‌اش تاکنون ۱۳ نفر از افرادی که به علت ناتوانی در پرداخت بدهی و دیون خود در زندان بودند را آزاد کردند. همچنین قرار است ۴۰۰ میلیون تومان دیگر از اموال این فرد فوت‌شده برای آزادی زندانیان دیگر صرف شود.
- احکام متهمان پرونده موسوم به متجاوزان به دختران ایرانشهری صادر و در دیوان‌عالی کشور نقض شد. این متهمان افرادی بودند که سه زن را در ایرانشهر ربوده و مورد آزار و اذیت قرار داده، اموال‌شان را سرقت و از آنها فیلم تهیه کرده بودند که در تابستان ۹۷ در عملیات‌های پلیسی جداگانه بازداشت شدند. آنها بعد از اعتراف به جرایم‌شان روانه زندان شدند. آنها مدتی پیش محاکمه شدند. متهمان این پرونده بابت اتهام مشارکت در زنای به عنف به اعدام و مشارکت در آدم‌ربایی به ۱۵ سال حبس و از بابت سرقت سه سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق و رد مال و پرداخت دیه، از حیث حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز به پنج سال حبس مطابق رای اولیه صادره از دادگاه کیفری یک ایرانشهر محکوم شده اند که دیوان‌عالی کشور رای صادره را به علت نقص تحقیقات نقض کرده و در شعبه هم‌عرض پرونده در حال رسیدگی است.

همچنین اتهام مشارکت در تهیه فیلم از شاکیان و وسیله تهدید قرار دادن فیلم مزبور، هرکدام از متهمان به پنج سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق و پنج سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده‌اند که رای صادره در دادگاه تجدیدنظر استان تایید شده‌است. از حیث جرایم مطرح‌شده در این پرونده به هیچ‌کدام از متهمان یک روز مرخصی اعطا نشده و کماکان در حال تحمل حبس هستند.